

# تاریخچه سربازگیری در ایران

بسم

سرنسبک هندس جهانگیر قائم مقامی

ارتش ایران از قدیم -  
ترین ادوار باستانی ، همیشه  
از دو دسته سپاهیان ثابت  
(که داوطلب و همیشه بخدمت  
حاضر بودند) و سپاهیان موقت  
(که فقط بهنگام ضرورت گرد  
می آمدند) تشکیل میشده است  
چنانکه پادشاهان هخامنشی  
و اشکانی و ساسانی همه وقت  
سپاهیان ملتزم رکاب خود در  
مراکز ساتراپ نشین ها نیز  
نیروهائی داشته اند و هر زمان  
جنگی پیش می آمد ساتراپهای  
شاهنشاهی و حکام ولایات  
لشکریانی شامل قسمتی از همان  
سربازان ثابت خود وعده ای هم  
از مردان جنگجوی روستاهای  
قلمرو حکمرانی خویش برکاب

شاهنشاه میفرستادند و این گروه اخیر فقط تا پایان جنگ در خدمت میماندند و چون جنگ پایان می یافت بخانه های خویش باز میگشتند. <sup>۱</sup> از نام این عده موقتی در ادوار قبل از اسلام آگاهی نداریم ولی در سالهای بعد از اسلام باین گروه «حشم» و «حشروستائی» و «مسامحه» حشر» میگفتند<sup>۱</sup> و دوام این وضع را در تمام دوران سلسله های بعد از اسلام تا اواسط دوره قاجاریه می بینیم.<sup>۲</sup>

در دوره قاجاریه تا اواسط سلطنت ناصرالدین شاه، سپاهیان ثابتی را که ملتزم رکاب پادشاه و یاولیعهد می بودند «قشون پارکابی» و آنچه را که شاهزادگان و حکام در اختیار داشتند و در موقع ضرورت به التزام رکاب شاه میفرستادند «ولایتی» می نامیدند.<sup>۳</sup>

از زمان ناصرالدین شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ قمری) علاوه بر عناوین مذکور دو اصطلاح «قشون متوقف» و «قشون متحرک» نیز وضع و معمول شد، باین معنی که قشون متحرک عبارت از سربازانی بودند که مأمور سرحدات و یا اردوهای مشق و جنگ بودند و قشون متوقف به آنهایی میگفتند که بعد از خاتمه مدت مأموریت در سرحدات و میدانهای جنگ در خانه های خود بسر میبردند و در حقیقت این دسته، نیروی ذخیره بوده اند که سالی سه ماه در همان ولایت که سکنی داشتند در میدانهای مشق حاضر میشدند و بتمرین فنون نظامی می پرداختند<sup>۴</sup> و دسته اول نیروی تحت السلاح بوده اند.

۱ - سرهنگ قائم مقامی : تاریخچه تحولات ارتش ایران ، درمهنامه ارتش شماره

۵ سال ۴۳

۲ - رک به همان سلسله مقالات در شماره های ۸ و ۷ و ۶ سال ۴۳

۳ - منشئات قائم مقام ص ۲۸ نامه ۴۴ چاپ نگارنده این مقاله - مأموریت ژنرال گاردان ترجمه اقبال صفحه ۷۷ اصل گزارش مزبور در مجموعه شماره ۷ گزارشات و مدارک Mémoires et Documents مربوط بسایران ، در بایگانی را کد وزارت امور خارجه فرانسه ضبط است .

۴ - ص ۳۰ و ص ۷۵-۵۸ مجموعه مقررات نظامی چاپ سنگی تهران ، سال ۱۲۷۷ قمری

۵ - ص ۵۸ همان مجموعه .

شاهزادگان و حکام شهرستانها هم، چنانکه پیش از این دیدیم، عده‌ای ثابت داشته‌اند (قشون ولایتی) و در وقت احتیاج می‌توانستند عده‌ای سوار نیز تجهیز کنند.<sup>۶</sup>

جیمز موریه<sup>۷</sup> در سفرنامه خود در این خصوص مینویسد: حسینعلی میرزا فرمانفرما حکمران فارس سپاهی مرکب از هزار سوار ثابت داشت و در حدود بیست هزار سوار هم می‌توانست بهنگام ضرورت تجهیز نماید.<sup>۸</sup>

از طرفی بموجب شرحی که هوسمان<sup>۹</sup> درباره ارتش زمان ناصرالدین شاه بسال ۱۲۷۵ - ۱۲۷۷ قمری (۱۸۵۸ - ۱۸۶۰ م) نوشته<sup>۱۰</sup> «سوار نظام ارتش ایران در این دوره شامل دو قسم سوار نظام منظم و سوار نظام غیر منظم بوده است. سوار نظام منظم (مرکب از دودسته نیزه داران و تفنگداران) مخصوص گارد سلطنتی بوده‌اند و سوار نظام غیر منظم نیز بدودسته تقسیم میشده‌اند - دسته اول که در خانه‌های خود بودند و ممکن بود خیلی زود حاضر شوند مانند سوار

۶ - سروان بن‌تان Banten و افسردیگری که نام آن را نمیدانیم و هر دو از افسران فرانسوی بوده‌اند که با هیأت نظامی سرتیب گاردان Gardanne در سال ۱۲۲۲ قمری (۱۸۰۷) بایران آمده‌اند، از وضع و نحوه احضار این گوته سربازان در موقع جنگ و آمدن آنها به پایتخت بتفصیل صحبت کرده‌اند. گزارش بن‌تان - برگ ۷۱ تا ۷۸ و گزارش دومی برگ ۷۹ تا ۸۴ جلد هفتم (Memoires et Documents) M. D بایگانی وزارت خارجه فرانسه. اولیویه Olivier نیز در سفرنامه خود بنام «سیاحت در امپراطوری عثمانی، مصر و ایران بدستور دولت فرانسه در سال ۱۸۰۵» شرح مبسوطی در این خصوص دارد. قسمت مربوط بایران. نسخه خطی: جلد اول M. D برگ ۲۴۴ Perse

James Morrier - ۷

۸ - لمبتون: مالک وزارت ترجمه فارسی ص ۲۶۳. بسیاری از جهانگردان خارجی هم که در این سالها بایران آمده‌اند مطالب بسیاری در این خصوص نوشته‌اند از جمله دورویل Dercouville که پنج فصل از سفرنامه خود را بشرح سپاهیان ثابت (منظم) و غیر ثابت (غیر منظم) دوره فتح‌المشاه اختصاص داده است. رک. به ۲ ج از ص ۶۷ تا ص ۱۶۰ نسخه فرانسوی.

Hausemann. - ۹

۱۰ - بایگانی تاریخی ارتش فرانسه مجموعه ۱۶۷۳ قطعه ۴۷ تحت عنوان «اطلاعاتی درباره ارتش ایران» Renseignements sur l'armée Persane

نظام منظم از دولت حقوق می‌گرفتند و دسته دوم در مواقع ضرورت از میسان آنها که خود مایل بوده‌اند احضار میشدند و فقط به‌نگام خدمت حقوق و جیره دریافت می‌کردند.<sup>۱۱</sup>

بطوریکه از این شرح برمی‌آید سوار نظام منظم، نیروی ثابت و قسم اول از سوار نظام غیر منظم سربازان ذخیره بوده‌اند و قسم دوم از سواران غیر منظم همان حشر روستائی بوده‌است که به‌عنوان مزدور برای مدت کوتاهی جمع میشده‌اند و حقوقی هم برای مدت خدمت می‌گرفته‌اند و بنا بر این عده‌ای را که در زمان فتح‌علیشاه «قشون انعامی» می‌نامیده‌اند<sup>۱۲</sup> بی‌گمان همین گروه بوده‌اند و جز با حشر روستائی تطبیق نمی‌کنند.

و اما در خصوص نحوه سربازگیری -

سرتیپ گاردان<sup>۱۳</sup> رئیس هیأت نظامی فرانسه که در سال ۱۲۲۲ قمری (۱۸۰۷ م) از طرف ناپلئون بناپارت و بموجب عهدنامه نظامی فین‌کن‌اشتاین بایران آمده<sup>۱۴</sup> است در گزارشی مبسوط که بتاريخ ۲۳ شوال ۱۲۲۲ (۲۴ دسامبر ۱۸۰۷) در خصوص اردو کشتی به‌ند و ارتش ایران نوشته‌است می‌نویسد: «در ایران هر ایل ملزم است مقدار معینی سوار بدهد».<sup>۱۵</sup>

در آرشيو تاريخي ارتش فرانسه هم گزارش ديگري بتاريخ ۱۲۴۶ قمری (۱۸۳۱ م) و مقارن با سالهای آخر سلطنت فتح‌علیشاه موجود است که در آن نیز راجع به طرز سربازگیری در ایران چنین نوشته شده:

۱۱ - سروان دلور فرانسوی Delort ضمن اینکه در گزارش همین مطالب را تصریح کرده است، اضافه نموده که این عده از غنیمتی که از غارت وینما بچنگ می‌آوردند امرار معاش می‌نمودند: قطعه ۴۵ مجموعه ۱۶۷۳ بایگانی تاریخی ارتش فرانسه.

۱۲ - منشئات قائم مقام نامه ۴۴ چاپ نگارنده.

۱۳ - Général Gardanne

۱۴ - Finkenstien - در خصوص این هیأت رجوع کنید به «تحولات سیاسی ارتش ایران» تألیف نگارنده چاپ سال ۱۳۲۶ خورشیدی.

۱۵ - برگ ۹۸ جلد ۷ Perce-M. et D. و ص ۶۵ ترجمه فارسی کتاب مأموریت سرتیپ گاردان.

«نحوهٔ سربازگیری در ایران بروش ملوک الطوائفی است، هر استان و شهرستان، باستثناء چند شهر، باید عده‌ای سوار با اسب بدهد و اگر سربازی فرار کند یکی از بستگانش را بجای او بخدمت سربازی خواهند برد».<sup>۱۶</sup>

بموجب دو سند دیگر که در دست داریم و آندو، یکی مربوط بزمان مأموریت سرتیپ گاردان در ایران (۱۲۲۲-۱۲۲۴ قمری) است و دیگری مقارن با اواسط جنگ دوم ایران و روس (۱۲۴۱-۱۲۴۳ قمری) نوشته شده و تقریباً همزمان با تدارک مذکور در فوق میباشد. اگر ناحیه شهرستانی که باید تعدادی سرباز بدهد، بعلمتی از فرستادن سرباز خود داری میکرده است، برابر قرارداد و صورت دیوانی بایستی بازای هر سرباز مبلغی وجه نقد بعنوان «پیشکش» بخزانة شاه و یا ولیعهد بپردازد تا با آن پول از محل دیگری سرباز فراهم نمایند.<sup>۱۷</sup>

با این مدارک و امارات چنین معلوم می‌شود، تا این زمان، سربازگیری در ارتش ایران بدون وجود او طلب و اجباری صورت میگرفته است ولی از جزئیات مقررات مربوط بخدمت اجباری و اینکه شرایط و مدت خدمت و مسراحل چگونه بوده آگاهی کافی نداریم - همینقدر می‌دانیم برای اینکه سربازان مزبور بارغبت بیشتر و رضایت خاطر، بخدمت سربازی درآیند، از مالیات سالانهٔ ارضی و احشام خود معاف می‌شدند<sup>۱۸</sup> و مبلغ این مالیات در حدود پانزده

۱۶ - بایگانی تاریخی ارتش فرانسه مجموعهٔ ۱۶۷۳ قطعه ۳۱

۱۷ - میرزا ابوالقاسم قائم مقام : نامه‌ایکه بیکی ازعمال خود نوشته است (موقع خطی شماره ۲۲۱۴ کتابخانه دانشکده معقول و منقول) قائم مقام در این نامه می‌نویسد : «عزیز آقا احمد . . . بهترین شقوق این است که خودت به قوشخانه بروی حساب ششصد تومان پیشکشی مستمری قوشخانه را بررسی . هرچه سوار فرستاده‌اند یکی شش تومان محل است موافق قرارداد میرزا محمدرضا اما هرچه سوار آنها نرسیده است باید نفری شش تومان بدهند . . . قرارداد نوقوشخانه هم همینطور خوبست که یا صد سوار رکابی را بدهند یا ششصد تومان پیشکش را . . .»

۱۸ - گزارشی تحت عنوان «نظری بایران» که توسط یکی از افسران فرانسوی جزو هیأت نظامی گاردان تهیه شده است : برگ ۷۹ جلد ۷ Perce - M. D وزارت خارجه فرانسه . و ترجمه فارسی «مأموریت سرتیپ گاردان» ص ۶۴ .

تومان آنروز بوده است ۱۹ وبعلاوه بهر سرباز جهت تأمین معاش خانواده در دهی که اهل آنجا بود مقداری زمین جهت کشت و زرع می دادند و حاصل آن زمین باو تعلق داشت و جیره روزانه شان عبارت بود از روزی یکمن جو و دو من گاه و یک چارک گندم، مگر در فصل بهار که به اسبها علف تازه میدادند.<sup>۲۰</sup>

این روش و مقررات تا خاتمه سلطنت محمد شاه (۱۲۶۴ قمری) بی آنکه نام و عنوان مخصوصی داشته باشد معمول بود و چون ناصرالدین شاه بسلطنت رسید میرزا تقی خان امیر کبیر صدراعظم او (از محرم ۱۲۶۴ تا ۱۲۶۸ قمری) بنا بر احتیاج آنان مجموع این مقررات را با اصطلاحات و اضافات و تغییر و تبدیل - هائی تحت عنوان «قانون بنیچه» و بطور رسمی بمرحله اجرا گذاشت و دلیل این تحول این بود که با اجرای طریقه سابق همه وقت سپاهیانى که در رکاب پادشاهان و امرای محلی و حکمرانان حاضر می شدند و می توانستند بحفظ امنیت و آرامش کشور اقدام کنند اما نباید از نظر دور داشت که نگهداری سپاهیانى بطور دائم (پارکابی) و داوطلب خود هزینه هنگفتی را بخزانة دولت تحمیل می کرد و از طرفی فعالیت نظامی که لازمه ترقی و جنبش و تحریک ارتش زنده و آزموده است بر اثر مرور زمان و بیسکاریهای متواتر و تن آسائی سربازان در زمان صلح از ایشان سلب و زایل می شد و در موقوع جنگ نتیجه مطلوب از ایشان بدست نمی آمد و امیر کبیر که میدانست عظمت و سیادت یک کشور بسته بوجود ارتش

۱۹ - نظری بایران برگ ۷۹. در این گزارش نویسنده، مبلغ مالیات سالانه را بر حسب پول فرانسه ۳۰۰ فرانک نوشته و با قرائنی که از ارزش فرانک در این سالها در دست داریم، این مبلغ برابر پانزده تومان آن زمان میشده است. در این مورد بکتاب گاردان ص ۱۱۴-۱۱۵ ترجمه فارسی رجوع کنید که در شرح وقایع سال ۱۲۲۳ قمری می نویسد: «فراهان مدت بیست سال بود که بیش از ۱۵۰۰ تومان (۳۰۰۰ فرانک) مالیات نمیداد و حالیه میزان مالیات آنرا به ۵۰۰۰۰ تومان (ده میلیون فرانک) ترقی داده اند» و از این ارقام معلوم میشود هر یک تومان برابر با ۲۰ فرانک بوده است.

۲۰ - سفرنامه موریه بنقل از کتاب مالک و زارع ص ۲۶۲ - ۲۶۳. معمول این زمان چنین بوده است که حقوق و مواجب سربازان هر ششماه تأدیه میشد (گاردان ص ۶۷ ترجمه فارسی) و موافق قاعده، مواجب توپچی ها را همیشه قبل از سربازان رسته های دیگر می پرداختند (نامه قائم مقام در مرقع ۷۴۵ مجلس شورای ملی).

نیرومند و فعال آن است و آنگونه سربازگیری با نظام جدید هم آهنگ و برای اعتلای کشور ایران کافی نیست دست باصلاح نظام لشکری زدوروش سرباز-گیری را تغییر داد و آنرا بر «بنیچه» گذاشت که مبنای آن منسوخ کردن داوطلب و استخدام سربازان موقتی بطور اجباری بود.<sup>۲۱</sup>

بنیچه در لغت ظاهراً از کلمه بن بمعنی اصل و ریشه مشتق شده اما بهتر آن است آنرا مأخوذ از کلمه بنه بمعنی «جفت» بدانیم که واحد تقسیم و مالیاتی در دهات میباشد زیرا بنه یا جفت اصطلاحیست کشاورزی و بمقدار زمینی اطلاق می شود که بایک جفت گاو میتوان آنرا شخم زد و کاشت و چون تقسیم-بندی در دهات بر مبنای جفت گاو و زمین (بنه) بوده<sup>۲۲</sup> است و از طرفی در عرف وزارت دارائی سابق (مالیه) هم صورت تقسیم مالیات هر ده را که بر آب و خاک آن ده (باز هم بر اساس بنه و جفت گاو) مبتنی بوده<sup>۲۳</sup> بنیچه میگفتند مبنای سربازگیری را نیز برای آنکه قاعده ثابت تر و معلوم تری داشته باشد بر همان بنه بندی و یا بنیچه گذاردند.

بدین ترتیب مقرر شد هر ده متناسب و تعداد بنه و جفت دایر خود که بر همان اساس مالیات می پرداخت، تعدادی هم سرباز بدهد و در این مورد قاعده بر این جاری گردید که از هر ده نفر اهله یکی بخدمت سربازی برود.<sup>۲۴</sup>

۲۱ - با اجرای سربازگیری بروش مقررات بنیچه، بتدریج از تعداد داوطلبان در ارتش کاسته شد، چنانکه موسیو بوره Bourée سفیر فرانسه در ایران در گزارشی بتاریخ ۱۲۷۱ قمری نوشته شده است «ارتش بطور بنیچه تهیه میشود و داوطلب بسیار کم است» برگ ۲۰۰ جلد ۲۵ - ایران در بایگانی وزارت خارجه فرانسه.

۲۲ - هرده و قریه آباد و کامل معمولاً به پهل و هشت جفت و هر جفت به دو فرد تقسیم میشود.

۲۳ - ر. ک. به فرهنگ فارسی استاد معین ذیل کلمه «بنیچه» و مالک و زارع ص ۷۵۷.  
۲۴ - غلامحسین حاجبی در مقاله ای زیر عنوان «نظام بنیچه اجباری» (در مجله قشون شماره ۶ سال ۱۳۰۴) نوشته است: «از هرده نفر رعیت ساکنین قراء و دهات یازدهمی سرباز دولت است...» و آن ظاهراً اشتباه است. سرتیپ احتسابیان هم در مقاله خود بنام «سربازگیری بطرز بنیچه» (در مجله ارتش سال ۱۳۲۹ خورشیدی) در توجیه این قاعده که از بقیه در صفحه بعد

متن قانون بنیچه‌ای که میرزا تقی خان امیر کبیر تنظیم و جاری نمود، با وجود جستجوی بسیار، متأسفانه بدست نیامد و بدینجهت از جزئیات آن بطور دقیق و کافی آگاهی نداریم؛ تنها خلاصه‌ای از مفاد آن که برخی از نویسندگان بر حسب استنباط و ذوق خود ذکر و نقل کرده‌اند و در پاره‌ای از موارد بایکدیگر اختلاف دارند، در دست است.

بموجب این فوشته‌ها، بر حسب قانون بنیچه‌ی امیر کبیر «برای مملکت سی هزار نفر قشون حاضر السلاح و شصت هزار نفر ذخیره»<sup>۲۵</sup> در نظر گرفته شده بود و «این عده از میان رعیت بترتیب سرشماری»<sup>۲۶</sup> گرفته میشد یعنی از هر ده نفر یک نفر بخدمت سربازی میرفت و قرار بر این بود که سربازان حتی المقدور از میان رعایای «پادار» یعنی آنها که صاحب ملک و حشم هستند انتخاب شوند و اگر رعیتی که برای خدمت سربازی تعیین میشد پادار نمی‌بود آن چند نفر دیگر «باید صد تومان بطور سرشکن جمع آوری نموده و برای خرید ملک و باغ و حشم و یا باصطلاح برای تهیه «علاقه» باو بدهند و این ملک و علاقه در مدتی که صاحب آن، سرباز دولت شمرده میشد در رهن دولت می‌ماند»<sup>۲۷</sup> و صاحب آن تنها حق استفاده از منافع آن را می‌داشت ولی پس از خاتمه دوره خدمت سربازی آن ملک و علاقه بملکیت تعلق او در می‌آمد و بعلاوه دولت

بیقه از صفحه قبل

هر ده نفر یکی بخدمت سربازی میرفته است می‌نویسد: «در آن زمان جمعیت تقریبی ایران را در حدود ۱۰ میلیون دانسته و ازین عده پنج میلیون را زن و از پنج میلیون بقیه نصف را بچه و یک میلیون و نیم را اعیان و اشراف و طبقه علما و روحانیون محسوب نموده و آنانرا درخور خدمت سربازی ندانسته و بالاخره یک میلیون مرد قابل خدمت سربازی تشخیص داده شده بود و چون احتیاجات در حدود یکصد هزار نفر بوده مقرر گردید از هر ده نفر قابل خدمت سربازی فقط یک نفر بنام سرباز انتخاب گردد».

۲۵ - حاجبی: شماره ۴ سال ۴ مجله قشون - و امیر گیلان شاه: «یکصد و پنجاه سال سلطنت

در ایران» ص ۳۴.

۲۶ - حاجبی مجله قشون.

۲۷ - همان مقاله - دلیل اینکه ملک و علاقه مزبور را دولت در رهن میگرفت، این بوده است

که اگر سرباز مزبور اسلحه دولت را از بین می‌برد و یا خود فرار می‌کرد برای جبران آن وثیقه‌ای در دست دولت باقی باشد.



سالانه شش، تومان حقوق محلی<sup>۲۸</sup> که منظور از آن پول جیب خانواده سرباز بود و ماهانه هم ۷ قران و نیم حقوق خدمت<sup>۲۹</sup> بسربازان می پرداخت و هنگام احضار بخدمت نیز افراد گروه او یعنی نه نفر دیگر که سرباز نشده بودند یک خروار گندم بنام «خانواری» به عیال و اطفال او می دادند.<sup>۳۰</sup>

سرباز در مدت خدمت از پرداخت مالیات «سرانه» معاف بود و نیز یک نفر از اهالی ده خود او بنام «هم پا» معین میشد که در غیاب وی بامور رعیتی مربوط باو، رسیدگی نماید و این شخص هم از تأدیه مالیات سرانه معاف می بود.<sup>۳۱</sup> سربازانی که بدین نحو بخدمت سربازی احضار میشدند برای هزینه راه خود از قرار هر فرسنگ (شش کیلومتر)، یک ریال و اگر سواره بودند یک ریال و نیم دریافت می کردند.<sup>۳۲</sup>

خدمت سربازی را با پول نمیشد معاوضه کرد و اگر سربازی حاضر و مایل بخدمت نبود بایستی مبلغی بنام «پادارانه» بشخص دیگری میداد و او را بجای خود بسربازی میفرستاد<sup>۳۳</sup> و میزان این مبلغ بستگی به تراضی طرفین و طمع آن شخصی داشت که بخدمت میرفت.

از مدت خدمت سربازی و دوره های تحت السلاح و ذخیره، در قانون بنیچه، آگاهی صحیح و صریح نداریم و هر یک از نویسندگان دوره آنرا بنحوی متفاوت نوشته اند چنانچه برخی<sup>۳۴</sup> خدمت حاضر السلاح را دو سال و دوره کلی خدمت را ۱۲ سال ثبت کرده اند و مرحوم عبدالله مستوفی در تاریخ

۲۸ - مقاله حاجبی - ولی گیلانشاه این مبلغ راسی ریال نوشته است ص ۳۳ .

۲۹ - حاجبی - احتسابیان - گیلانشاه .

۳۰ - احتسابیان نوشته است: گروه مزبور چند تومانی هم نقد میداده اند [؟]

۳۱ - احتسابیان - گیلانشاه علاوه بر آن، در این مورد نوشته است: همپا موظف بوده است هر روز یک ساعت به خانواده سرباز مراجعه نماید تا اگر کاری داشته باشند انجام دهد «در مقابل این خدمت او را در سال از پرداخت پنج هزار (پنج قران) که مالیات سرانه است معاف میداشتند» ص ۳۴ .

۳۲ - حاجبی - احتسابیان .

۳۳ - مالک و زارع ص ۳۰۷ و ص ۷۵۸ - گیلانشاه ص ۳۴ .

۳۴ - احتسابیان - حاجبی .

اجتماعی و اداری دوره قاجاریه نوشته است: سربازانی که بقانون بنیچه بخدمت احضار میشدند شش ماه خدمت می کردند و شش ماه بمرخصی میرفتند. ۳۵ و بموجب مندرجات کتابچه بنیچه قزوین که مر بسوط بسال ۱۲۸۶ قمریست، سربازان یک سال در حال خدمت بوده اند و یک سال بمرخصی میرفتند. ۳۶

ولی چنانکه از مندرجات مجموعه ای رسمی که نخستین مجموعه مدون از مقررات نظامی در ارتش ایران است و بتاریخ شوال ۱۲۷۷ قمری در تهران بچاپ رسیده ۳۷، برمی آید تا قبل از این تاریخ یعنی تا حدود سال ۱۲۷۷ برای خدمت سربازی زمان و مدتی مشخص و معین نبوده و سربازان نمیدانستند تا چند سال باید خدمت کنند ۳۸ و این نکته بامدارك دیگری هم که در دست است تطبیق می نماید ۳۹.

بنابراین، از این تاریخ ببعده است که برای خدمت سربازی مدت مصرحی معین شده و این است آنچه در این خصوص در مجموعه مزبور تصریح شده:

۳۵ - ج ۲ ص ۶۹ - ۷۰.

۳۶ - سرهنگ مسعود معتمدی: کتابچه بنیچه قزوین - در کتابچه مزبور در این مورد نوشته است «حق خدمت و ساخلوی فوج در هر نقطه که هست، یک سال تمام است و دوفوج قزوین که عجالتاً بقراولی دارالخلافه مأمور و مشخص است هر کدام سالی بسر خدمت خود می آیند و آن دیگری مرخص است...» بررسی های تاریخی شماره ۲ سال یکم ص ۱۶۸.

۳۷ - در یکی از شماره های آینده درباره این مجموعه صحبت خواهیم کرد.

۳۸ - ص ۲۹ و در این مورد چنین نوشته شده: «چون در این دولت از اول که بنای گرفتن قشون نظامی شده است برای خدمت قشون زمان و مدتی قرار نداده اند و از این است که با همه صدق و ارادتی که ملت در خدمت دولت دارند نوکری دولت را برای حفظ ثغور اسلام واجب شرعی می شمارند از نوکری سربازی خالی از کراهت نیستند چرا که نمیدانند تا چند سال باید خدمت کنند».

۳۹ - گزارش مبسوط سرتیب گاردان درباره ارتش ایران بتاریخ ۲۳ شوال ۱۲۲۲ در مجموعه شماره ۷ Perse-M.D و ترجمه فارسی کتاب او ص ۶۴ - همچنین گزارش سروان بوفورد دوت پول Beaufort d' Hautpoul که در سال ۱۲۵۵ قمری (۱۸۳۹ میلادی) جزو هیأت سفارت کنت دوسرسی Conte de Sercey بایران آمده بود (برگ ۷۷ جلد ۹ Perse-M. D در وزارت خارجه فرانسه).

«محض ملاحظه رفاه و آسایش مردم، علی‌العجلاله قرار مدت خدمت سرباز، ده سال تمام خواهد بود اعم از اینکه مأمور بجائی شود یا متوقف ولایت خود باشد و پس از انقضای ده سال از نوکری معاف خواهد بود و عوض آن، جدید گرفته میشود مگر کسی که خود داوطلب خدمت شود، البته قبول خواهد شد و امتیاز مواجبی داده میشود. اگر برای دولت قشونی لازم شود حق خواهد داشت که شش سال دیگر هم همان نوکری که مدت خدمتش منقضی شده است بنوکری وادارد و پس از شش سال بکلی معاف خواهد بود.»<sup>۴۰</sup>

نکته دیگری که از مندرجات این قانون استنباط میشود، این است که مدت ده‌ساله که در این تاریخ برای خدمت سربازی معین کرده بوده‌اند، مبتنی بر قراری قطعی نبوده زیرا می‌بینیم که باقید کلمه «علی‌العجلاله» دست اولیای امور را برای تغییر مدت باز گذارده‌اند.

بهر صورت، از جزئیات این قانون هم متأسفانه اطلاع کافی در دست نیست و نیز نمیدانیم جزئیات نحوه سربازگیری در این تاریخ چگونه بوده و مدت خدمت سربازی بچند مرحله تقسیم میشده است، همینقدر میدانیم که این قانون که متن آن باستناد مجموعه مذکور در فوق، جداگانه بچاپ رسیده<sup>۴۱</sup> غیر از قانون بنیچه امیر کبیر است چه به‌وجب استناد رسمی و دولتی مربوط بهمین زمان میدانیم در ماه صفر هجرت سال (۱۲۷۷) که نه سال از قتل امیر کبیر می‌گذشته، قانونی جدید برای سربازگیری تنظیم و تدوین کرده بودند.<sup>۴۲</sup>

در قانون سال ۱۲۷۷ نکته جالب دیگری نیز بچشم می‌خورد و آن موضوع سرباز داوطلب است که در آن قید شده، پس از انقضای ده سال خدمت سربازی،

۴۰ - ص ۴۰

۴۱ - ص ۲۹ مجموعه چاپی مقررات نظامی

۴۲ - اسناد رسمی و دولتی مجموعه شماره ۶۲۷۸ وزارت خارجه ایران

اگر کسی خود دوباره داوطلب خدمت شود البته قبول میشود. ۴۳ و این نکته یعنی قبول داوطلب مغایر با منظور و اصل قانون بنیچه است که در نظر داشته سرباز اجباری و موقتی بجای داوطلب در ارتش استخدام شود ولی باید دانست که با وجود این مجوز، فکر منسوخ نمودن سرباز داوطلب از نظر اولیای امور بیرون نرفت چنانکه در کتابچه بنیچه قزوین که مربوط به نه سال بعد از این تاریخ است (سال ۱۲۸۶ قمری) می بینیم صریحاً قید کرده اند «شخص سرباز را هر محلی از نفوس خودش باید بدهد که بتدریج سرباز داوطلب موقوف خواهد بود» ۴۴ - هر چند این نظر هم نه تنها بمرحله عمل در نیامد بلکه از سال ۱۲۹۶ قمری نیز صورت جدی تر و رسمی بخود گرفت باین معنی که در این سال، چون سازمان جدیدی بنام «سواره قزاق» یا «بریگاد قزاق» بوجود آمد ۴۵ روش سربازگیری در آن، بر قاعده استخدام سرباز داوطلب تعلق گرفت زیرا ظاهراً اداره تشکیلات جدیدی بسبب نظام اروپائی باروش شش ماهه و یک سال خدمت و سپس بهمان مدت مرخصی خانه ممکن نمی بود بلکه برای ادامه آموزش چنین نیروئی که بعدها هم نقش بزرگی در سر نوشت کشور ایران بازی کرد، لازم بود سربازان مدت بیشتری وبدون انقطاع بفرآ گرفتن آموزشها و فنون نظامی مشغول باشند.

ولی بهر حال، نباید از نظر دور داشت که قانون بنیچه اگر نتوانست موضوع داوطلب را موقوف نماید لیکن بر اثر اجرای مقررات آن رسم «قشون پارکابی» که وجودش بامقررات مخصوص بخود آن هزینه گزاف و هنگفتی بخزانة دولت تحمیل می کرد، منسوخ شد و بجای آن هر سال فقط بموجب قانون بنیچه بنام «ساخلو دار الخلاقه طهران» احضار میشدند و صورتی از این

۴۳ - ر.ک بکمی بالاتر، قسمتی که از متن مجموعه چاپی نقل شده است

۴۴ - سرهنگ معتمدی: کتابچه بنیچه قزوین

۴۵ - ر.ک. به تحولات سیاسی نظام ایران فصل دوازدهم - در همین سال سازمان دیگری هم در ارتش ایران تشکیل شد و آن «قشون طراح اطریشی» بود ولی افراد آن را هشت هنگ از هنگهای عراقی و خرقانی که بطریق بنیچه گرفته میشدند تشکیل میدادند. رجوع کنید بفصل نهم در کتاب تحولات سیاسی نظام ایران تألیف نگارنده این مقاله.

هنگاهام که در سالهای مختلف احضار شده اند در مجموعه ای از اسناد رسمی موجود است. ۴۶

بعد از این تاریخ بسال ۱۳۰۷ قمری میرسیم.

در *کراسه المعی*، در شرح این سال مطلب جالبیست که در تاریخ سرباز-گیری ایران ابهامی بوجود می آورد و آن این است که در این سال قانونی برای وصول مالیات و عوارض بصحّه ناصرالدینشاه رسید و بموجب آن مقرر بود در دهات از هر ۱۸۰ تن مسلمان ذکور یک تن برای خدمت سربازی گرفته شود و چون غیر مسلمانان را بخدمت سربازی نمی بردند بجای سربازیکصد و پنجاه تومان پول می گرفتند. ۴۷

این قانون، با بودن مقررات بنیچه که از هر ده نفر یک نفر را بسربازی می برده اند موجب ابهامی میشود و در نتیجه نمیدانیم آیا این قانون، در این سال بجای قانون سابق وضع شده و یا اضافه بر آن جاری گردیده است. پروفیسور لمبتن هم که باین موضوع در *کراسه المعی* برخورد کرده در کتاب خود توضیح بیشتری درباره آن نداده است. ۴۸

ارتش دوره قاجاریه که افراد آن با این روش و مقررات تهیه میشد، در آخرین سال سلطنت ناصرالدینشاه (۱۳۱۳ قمری) از عناصر زیر تر کیب میشده است: ۴۹

۴۶- اسناد رسمی در وزارت امور خارجه ایران شماره ۶۲۰۶ برگ ۸۷ - به کتابچه بنیچه قزوین در شماره دوم سال یکم مجله بررسیهای تاریخی نیز رجوع شود ص ۱۶۸ .  
 ۴۷ - در ۱۰۵۹ نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای ملی - این رسم که غیر مسلمانان را بخدمت سربازی قبول نمی کردند ظاهراً ادامه وضعی بوده که بموجب قانون بنیچه از آغاز سلطنت ناصرالدین شاه معمول گردیده بود زیرا در گزارش سروان بوفورد و پول فرانسوی که بسال ۱۲۵۶ قمری در خصوص ارتش ایران نوشته می بینیم ذکر کرده است: چند نفری هم از مسیحیان و ارمنیها در میان سربازان وحتى درجه داران هستند. (برگ ۷۷ ج ۹ Perse M. D)

۴۸- مالک وزارت ص ۳۱۴

۴۹- دك. به ملحقات تألیفات محمد حسنخان صنیع الدوله، نشریه وزارت انطباعات چهار جلد مرآة البلدان سه جلد منتظم ناصری، مآثر و الآثار و در التیجان فی تاریخ بنی الاشکان و بسیاری دیگر.

۱- «قشون طرح اطریشی» شامل دو هنگ پیاده، یک هنگ پیاده سبک اسلحه موسوم به فوج مخبران، یک هنگ مهندس و یک هنگ توپخانه ته پر.

۲- «سواره قزاق» شامل سه هنگ سوار بطرز قزاقهای روسی و یک آتشبار توپخانه.

۳- «قشون متحرك» ۵۰ یانبروی تحت السلاح، شامل ۱۰ تومان و جمعاً ۸۰ هنگ پیاده و سوار.

۴- «قشون متوقف» ۵۱ یاسربازان ذخیره شامل ۱۰۱ هنگ سوار و ۲۷ فوج پیاده بشرح زیر:

سواره نظام:

۲۱ هنگ	سواره آذربایجانی
« ۳۴	سواره خراسانی
« ۱۰	سواره استرآبادی (گرگانی)
« ۶	سواره کرمانی
« ۲	سواره مازندرانی
« ۳۰	سواره عراقی

پیاده نظام:

۲ هنگ	پیاده نظام خراسانی
« ۱۲	پیاده نظام استرآبادی
« ۵	پیاده نظام گیلانی
« ۲	پیاده نظام مازندرانی
« ۵	پیاده نظام کرمانی
« ۱	پیاده نظام عراقی

۵۱۵۰- در سالنامه های این ایام همه جا، این دو قسمت را بنام های سابقشان یعنی قشون

ولایتی نام برده اند.

توپخانه شامل دو تومان :

تومان اول شامل ۱۲ هنگ (هنگهای آذربایجانی).

تومان دوم شامل ۱۶ هنگ (هنگهای عراقی).

عده نفرات ارتش در این دوره بطور محقق معلوم نیست زیرا مدارک ایرانی که منحصر به سالنامه‌های رسمی کشور و دولتی بوده پر است از توضیحات و ارقام و عدد این نیروها و بموجب آنها، همه ساله ارتش ایران بدون کمترین تغییری شامل دویست هزار نفر بوده است و از آن میان یکصد و پنجاه هزار نفر حاضر بخدمت و پنجاه هزار نفر ذخیره بوده‌اند.<sup>۵۲</sup> و جهانگردان خارجی هم که در این سالها بایران سفر کرده‌اند تعداد افراد ارتش ایران را بتفاوت ضبط نموده‌اند چنانکه فرد کورزن جمع آنرا ۴۳۸۸۹ نفر<sup>۵۳</sup> و ویل مورن ۹۰۳۹۲ نفر نوشته‌اند.<sup>۵۴</sup> سرهنگ احتسابیان نیز در مقاله‌ای زیر عنوان «سربازگیری بطرز بنیچه» که پیش از این نیز از آن ذکری بمیان آمد، تعداد ارتش ایران را در این سالها بتصریح ۹۷۲۲۹ نفر نوشته و حتی تعداد سوار و پیاده و توپچی که از هر ناحیه و محل میگرفته‌اند در جدولی بتفصیل ذکر نموده است و با آنکه نویسندۀ مزبور مأخذ اطلاعات خود را بدست نداده است چون جدول مذکور بنیچه بندی آنروزی ایالات و ولایات ایران را با ارقام ریز نشان میدهد و حائز اهمیت است ما عین آنرا در اینجا نقل می‌کنیم.<sup>۵۵</sup>

۵۲ - ملحقات تاریخ ساسانیان تالیف اعتماد السلطنه - ویل مورن سیاح فرانسوی Auguste Lacoïn de Vilmorin که بسال ۱۳۰۶ قمری بایران آمده است در این مورد می‌نویسد «حقیقت، متأسفانه خیلی با این رقم متفاوت است.» ص ۱۵۱

کتاب «از پاریس تا بمبئی از راه ایران» نسخه فرانسوی. چاپ پاریس سال ۱۸۹۵  
۵۳ - ایران و مساله ایران. جلد دوم نسخه انگلیسی و ترجمه مختصر آن بفارسی تحت عنوان «جهانگردی در ایران» ترجمه علی جواهر کلام. بخش دوم.

۵۴ - از پاریس تا بمبئی از راه ایران ص ۱۵۰

۵۵ - مجله ارتش سال ۱۳۲۹ شمسی

## جدول نتیجه بندی ایالات و ولایات ایران

شماره ترتیب	ایالات و ولایات سرباز بده	پیاده	سوار	توپخانه	جمع
۱	ولایات مرکزی	۱۱۹۸۹	۲۹۲۴	۲۲۸۸	۱۷۲۰۱
۲	ولایات مازندران	۵۷۴۹	۱۱۶۱	۵۰	۶۹۶۰
۳	ولایات استرآباد	۱۰۰	۱۰۶۱	-	۱۱۶۱
۴	مجال خمسه	۱۵۷۷	۱۳۳۳	۳۱۳۹	۶۰۴۹
۵	ولایات گیلان	۱۲۲	۵۶۳	۵۰۰	۱۱۸۵
۶	ایالت آذربایجان	۲۱۶۱۸	۵۲۷۲	۲۷۶۵	۲۹۶۵۵
۷	ایالت خراسان	۹۳۸۲	۲۵۶۷	۱۰۰	۱۲۰۴۹
۸	کردستان - همدان - کرمانشاه	۷۵۷۴	۵۶۷	۱۳۷	۸۵۷۸
۹	خوزستان	۵۰۰	۱۴۰	-	۶۴۰
۱۰	کرمان	۲۵۷۳	۶۳۲	۱۰۱	۳۳۰۶
۱۱	فارس	-	۳۹۹	۶۴۲	۱۰۴۱
۱۲	مجال اصفهان	۲۵۵۹	۶۳۹	۱۴۷	۳۳۴۵
۱۳	لرستان - بروجرد - ملایر - نهبوند - کمره - گلپایگان - گروس	۵۱۷۵	۲۷۷	۶۰۷	۶۰۵۹
جمع		۶۶۸۷۸	۱۷۶۲۵	۱۰۷۲۶	۹۷۲۲۹



از این پس تا سال ۱۳۲۹ قمری که سازمان نظامی دیگری بنام ژاندارمری تشکیل گردید و افراد آنرا از داوطلبان انتخاب می کردند<sup>۵۶</sup> باز از وضع سربازگیری در ایران آگاهی چندانی نداریم.

مقارن این احوال، قشون «طرح اطریشی» منحل شد. و «بریکاد قزاق» تایک «دیویزیون» توسعه یافته بود و افراد خود را همچنان از افراد داوطلب انتخاب می کرد. تا اینکه در ۲۳ ذی حجه ۱۳۳۳ قمری مطابق بانهم عقرب سال ۱۲۹۴ خورشیدی، قانونی بنام «قانون سربازگیری» شامل ۱۸ ماده بتصویب دوره سوم تقنینیه مجلس شورای ملی رسید و بموجب ماده اول آن «اساس قشون - گیری دولت ایران به طرز بنیچه (خدمت اجباری خصوصی) گذارده شد.

بموجب این قانون مدت مراحل خدمت سربازی ۱۵ تا ۲۵ سال بوده است زیرا عموم افراد کشور در ۴۵ سالگی از خدمت سربازی معاف میشدند ( ماده ششم ) و چون کسی هم زودتر از سن بیست و بعد از سن سی بخدمت پذیرفته نمیشد ( ماده پنجم ) پس هر فردی که باید سرباز شود بر حسب اینکه در چه سنی وارد خدمت میشده است حداکثر ۲۵ و حداقل ۱۵ سال سرباز شناخته می شد.

سایر مواد این قانون ظاهرآ مشابه مقررات بنیچه سابق بوده که آنرا با وضع روز تطبیق داده بودند.

### قانون سربازگیری مصوبه ۹ عقرب ۱۲۹۴ مطابق ۲۳ ذی حجه ۱۳۳۳

«ماده اول - اساس قشون گیری دولت ایران بر طرز بنیچه (خدمت اجباری خصوصی) است.

«ماده دوم - افواج پیاده و دستجات سواره و توپخانه حتی الامکان از بلوکات و ایلاتی که تا کنون مطابق بنیچه قشون میدادند گرفته میشود.

«ماده سوم - ایلات و محلهای سواربده کما فی السابق مکلف بدادن اسب سوار میباشند مگر در مواردیکه وزارت جنگ مطابق «نظامنامه قشونگیری آنها را معاف نماید.

«ماده چهارم - کلیه عده نفرات قشون بنیچه محلی فعلا صد هزار نفر خواهد بود با این ترتیب که پس از تعیین عده پادار محلهای قشون بده حالیه ، محل کسر صد هزار نفر را از نقاط آباد دیگر معین نموده و بموجب لایحه مخصوص بمجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد نمود . ۵۷»

«ماده پنجم - کلیه افراد قشونی که داخل خدمت میشوند و با رعایت مواد نظامنامه قشون گیری باید دارای شرایط ذیل باشند :

- ۱- تابعیت ایران .
  - ۲- مسلمانی .
  - ۳- نداشتن سن کمتر از بیست و زیاده از سی سال .
  - ۴- صحت مزاج و کامل الخلقه بودن .
- «ماده ششم - کلیه افراد بنیچه تا درجه شمشیربند در سن چهل و پنج سالگی از خدمت صف معافند .
- «ماده هفتم - احضار و مرخصی افراد بنیچه برای صفوف مختلفه نظامی با تشخیص وزارت جنگ و بحکم وزیر جنگ است .
- «ماده هشتم - مدت خدمت افراد قشونی دفعتاً نباید متجاوز از دو سال باشد .

«ماده نهم - تعیین افراد قشون هر محلی مطابق بنیچه بعمل خواهد آمد ، با این ترتیب که مأمورین سر باز گیری اشخاص پادار محل را که دارای شرایط سر بازی موافق ماده پنجم باشند حاضر مینمایند . هر گاه عده ایشان مساوی عده لازمه است تمام افراد مکلف بدخول در خدمت نظامی خواهند بود و اگر عده ایشان بیشتر باشد عده لازم باقرعه معین خواهد شد .

«ماده دهم - در صورت خرابی و عدم استعداد یکی از محلهای قشون بده که خرابی و عدم استعداد آن را وزارت مالیه نیز تصدیق نموده باشد ، وزارت جنگ میتواند محل مزبور را از دادن کلیه یا قسمتی از عده بنیچه معاف نموده از محلهای مربوطه همان حوزه که استعداد داشته باشند ، با موافقت وزارت مالیه عوض بگیرد .

«ماده یازدهم - محلهائی که مطابق فرامین و یا احکام

۵۷- تا آنجا که اطلاع داریم چنین لایحه ای به مجلس پیشنهاد نشده است .

«از دادن نفقات قشونی معاف شده‌اند در صورتی که مطابق ماده  
«دهم معافیت آنها تصدیق نشود از معافیت محروم و مکلف بدادن  
«قشون خواهند بود در صورتیکه در عوض آن تخفیفات، تحمیلات  
«مالیاتی بمحل شده باشد، آن تحمیلات نیز منسوخ خواهد بود.  
«ماده دوازدهم - بهر یک از نفقات و دستجات قشونی مطابق  
«میزانی که در بودجه وزارت جنگ از تصویب مجلس شورای ملی  
«خواهد گذشت، حقوق محلی داده میشود.

«ماده سیزدهم - حقوق محلی افواج و دستجاتی که حاضر  
«خدمت هستند برای مدتی که تحت سلاح میباشند از حقوق ایام  
«خدمت آنها کسر خواهد شد.

«ماده چهاردهم - افراد قشون اعم از حاضر خدمت و  
«مرخصی خانه، از مالیات سرانه معاف و عوارض از اسب سوار  
«نظام مطالبه نخواهد شد.

«ماده پانزدهم - خانواری مستمری یا تخفیف محلی را  
«موافق معمول سابق، مالکین ورعایا و ایلات مطابق دستور  
«وزارت جنگ به آحاد و افراد قشون مستقیماً تأدیه خواهند کرد.  
«ماده شانزدهم - خرج سفر تا بین درموقع حاضر شدن در  
«سر خدمت که موسوم بکمک خرج است کمافی السابق برعهده  
«مالکین و اهالی محل است باین ترتیب که از محل سکونت تا بین  
«تأمر کز اجتماع فوج یادسته سوار و توپچی که وزارت جنگ تعیین  
«مینماید هر منزلی دو قران به تأمین پیاده و توپچی و چهار قران  
«بسوار تأدیه نمایند ولی افواجی که خانواری ندارند کمافی -  
«السابق درموقع حرکت، کمک و معاونت معمول را از صاحبان  
«بنیچه دریافت مینمایند.

«ماده هفدهم - نظامنامه‌های راجع باین قانون را وزیر  
«جنگ تهیه کرده و بموجب فرمان اعلیحضرت همایون بموقع  
«اجرا میگذارد.

«ماده هیجدهم - وزیر جنگ مأمور اجرای این قانون

«است.» ۵۸

نحوه سربازگیری، از این پس تا سال ۱۳۰۰ خورشیدی (۱۳۳۹ قمری) که ارتش  
نوین ایران بهمت اعلیحضرت رضا شاه کبیر بنیاد گذار ارتش نوین تشکیل

شد بر همین اساس بود جز اینکه افراد دو سازمان ژاندارمری و دیویزیون قزاق همچنان بطور داوطلب استخدام میشدند.

از ابتدای تأسیس ارتش نوین، مسأله تأمین احتیاج افراد ونحوه احضار آنها مورد توجه خاص سردار سپه (اعلیحضرت رضا شاه کبیر) قرار گرفت وبه همین نظر بدو در ۲۶ سرطان ۱۳۰۱ (تیرماه) مقرراتی برای سرباز-گیری بر اساس مقررات بنیچه سابق وضع گردید<sup>۵۹</sup> تا پس از مطالعه وبررسی کافی قانون کاملتری موافق مقتضیات زمان بمرحله عمل گذارده شود.

قانون سرطان ۱۳۰۱ شامل ۲۲ ماده ومقررات آن تقریباً همان مقررات قانون سال ۱۳۳۳ قمری بود جز اینکه در چند نکته اختلاف داشت و آن اینکه مدت خدمت حاضرالسلاح سربازی بموجب این قانون برای پیاده نظام دو سال وبرای توپچی وسوار سه سال (ماده ۱۷) و دوره خدمت بطور کلی ۱۲ سال (ماده ۲۰) تعیین شده بود و مقصود از دوازده سال دوره خدمت، آن بود که «افرادی که مثلاً سه سال درقشون حاضرالسلاح خدمت مینمایند پس از اینکه مرخص شدند تانه سال دیگر جزوقشون ذخیره محسوب ولدی الاقتضاء احضار خواهندشد وپس از طی دوره دوازده سال، بطور کلی از خدمت معاف می گردند.» (تبصره ماده ۲۰).

### متن قانون سربازگیری

مصوبه ۲۶ سرطان (تیرماه) ایت ایل ۱۳۰۱ شمسی<sup>۶۰</sup>

ماده ۱ - افواج پیاده وسواره وتوپچی حتی الامکان از محلها وایلاتی که تاکنون مطابق بنیچه محلی قشون میدادند گرفته شود.

۵۹ - تاریخ ارتش نوین بخش نخست ص ۱۲۱، نشریه ستاد بزرگ ارتشتاران تألیف سر تیپ بیگلر پور، سعید نفیسی، سرهنک قائم مقامی - در مورد اینکه قانون سال ۱۳۰۱ بر اساس مقررات بنیچه سابق وضع شده است به مواد ۲ و ۱ قانون مزبور در متن همین مقاله مراجعه کنید.

۶۰ - همان کتاب ص ۱۴۸ تا ص ۱۵۳

ماده ۲- ایلات و محلهای سواربده کما فی السابق بـدادن اسب سوارمکلف میباشند .

ماده ۳- کلیه افرادقشونی که جدیداً داخل خدمت میشوند باید دارای شرایط ذیل باشند :

- ۱- مسلمان .
- ۲- تبعیت ایران .
- ۳- نداشتن سن کمتر از بیست و زیادتر از سی سال .
- ۴- صحت مزاج (وکامل الغلقه بودن) مطابق دستورصحیه .
- ۵- عدم ابتلاء باستعمال تریاک .

ماده ۴ - تعیین افراد قشونی هر محلی مطابق بنیچه از اشخاص پادار با رعایت شرایط ماده ۳ با اطلاع مالکین وریش- سفیدان آن محل مستقیماً بتوسط مأمورین قشون گیری به عمل خواهد آمد . هرگاه عده آنها مساوی با عده لازمست تمام آن افراد مکلف بدخول در خدمت نظامی خواهند بود . واگر عده آنها بیشتر باشد ، عده لازم بحکم قرعه معین خواهد شد. مقصود از اشخاص پادار کسانی هستند که در محل بنیچه ، دارای علاقه از قبیل خانه ، ملک مزروعی ، باغ ، بانه ، رعیتی ، حشم وامثال آنها باشند .

ماده ۵- در صورتیکه عده نفرات اهالی محل با رعایت شرایط مقرره کمتر از ماخذ بنیچه باشد عوض کسر را از جوانان پادار محلهای دیگر آن حوزه تهیه و معرفی می نماید ولیکن خود معرفین ضامن ومسؤول آن خواهند بود .

ماده ۶ - محلهائیکه دارای ربع ونصف یا سه ربع بنیچه سرباز میباشند باید با رعایت همجواری ومسؤولیت مشترک ، یک نفر سرباز موافق مقررات قشون گیری معین وبمأمورین سرباز- گیری معرفی نمایند .

ماده ۷- در صورتیکه بعلت قصور افراد ، تفریط و ضایعاتی در اسلحه وملزومات دیوانی وغیره بهم رسد یا اینکه فراد نمایند دارائی همان افراد ودارائی مالکین وریش سفیدان محل که ضامن آنها میباشند در درجه دوم ضامن قیمت وغرامت و خسارت تا موقع جلب فراری واسترداد اسلحه و ضایعات فوق خواهد بود .

ماده ۸- مأمورین قشون گیری پس از تصویب وحکم ارکان حرب کل قشون از طرف امیر لشکر آن ناحیه معین وفرستاده می-

- شوند و هر گاه ارکان حرب کل قشون لازم بدانند مأمور مخصوصی اعزام خواهد داشت .
- ماده ۹- مأمورین قشونگیری مرکب خواهند بود از :
- ۱- یکنفر صاحب منصب .
  - ۲- صاحب منصب مأمور از طرف شعبه سربازگیری همان لشکر .
  - ۳- یکنفر مأمور حکومت محل .
  - ۴- طبیب نظامی .
  - ۵- یکنفر منشی .
- ماده ۱۰- صاحب منصبانی که ریاست کمیسیون را دارا هستند مسؤول حسن جریان امر سربازگیری و اجرای کامل این نظامنامه و موظف بدادن راپورت هر لشکر ناحیه خود میباشند .
- ۲- صاحب منصب مأمور از طرف شعبه سربازگیری مسؤول تشخیص بنیچه و تعیین نفرات از روی دفاتر بنیچه بندی است که در آن شعبه موجود و معین شده است .
- ۳- نماینده حکومتی موظف است راجع باختلاف بین مأمورین قشونگیری و رعایا و مالکین و مراقبت در تسهیل و پیشرفت امور قشونگیری مسؤول باشد .
- ۴- طبیب نظامی مکلف بمعاینه دقیق افراد و رعایت مشروط صحیه قشونگیری میباشد .
- ۵- ثبت و ضبط تحریرات کمیسیون و ترتیب اتمام اوراق قیدنامه معافیت و غیره بامنشی خواهد بود .
- ماده ۱۱- دفتر اساسی سنواتی نمره یک دارای ستونهای خواهد بود که قیودات ذیل در آن ثبت میشود :
- ۱- بنیچه ۲- نمره ۳- اسم ۴- پدر ۵- ده ۶- بلد
  - ۷- ارباب ده ۸- عوض کدام بنیچه ۹- صنعت و حرفه
  - ۱۰- سواد ۱۱- اعتیادات ۱۲- اهل و عیال ۱۳- سن ۱۴- قد
  - ۱۵- علامات صورت ۱۶- قطر و وزن ۱۷- ورود بخدمت ۱۸-
  - ضمانت ۱۹- ملاحظات
- ماده ۱۲- در صورتیکه خرابی و عدم استعداد یکی از محلهای قشون بده که بواسطه تفتیش مأمورین وزارت جنگ محقق گردد و وزارت جنگ نیز تصدیق کرده باشد ، وزارت جنگ میتواند محل مزبور را مادامیکه بحال خرابی و عدم استعداد باقی

است ازدادن کلیه یا قسمتی از عدهٔ بنبیچه معاف و از محلهای جدید و محلها تیکه قابل مالیاتند باموافقت وزارت مالیه بگیرد .

مادهٔ ۱۳- محلها تیکه مطابق قوانین یا احکام ، ازدادن نفرات قشونی معاف شده اند در صورتیکه معافیت موافق مادهٔ ۱۲ تصدیق شده باشد ، معاف خواهند بود . ( ورقهٔ معافیت مطابق مادهٔ نمره ۱۱ میباشد )

مادهٔ ۱۴- در مواردیکه افراد قشون ناقص الخلقه شوند و با تصدیق طبیب نظامی یا طبیب معروف محلی بنوعی عللیل المزاج تشخیص داده شوند که نتوانند تحمل خدمت نظامی را بنمایند بموجب راپورت جامعی با ادارهٔ ارکان حرب کل قشون ارسال خواهند شد .

مادهٔ ۱۵- افرادی که بواسطه ارتکاب به جنحه و جنایت و سایر اعمال زشت مطابق قانون جزای نظامی و راپورت محکمه قشونی باید اخراج شوند حکم اخراجی آنها از طرف ادارهٔ قشون- گیری صادر و راپورت جامع آن بوزارت جنگ ارسال میشود و عوض آنها در محل گرفته خواهد شد .

مادهٔ ۱۶- احضار و مرخصی افراد قسمتها و دستجات برای صفوف مختلفه به تشخیص و حکم وزارت جنگ است .

مادهٔ ۱۷- مدت خدمت تحت السلاح افراد قشونی نباید دفتماً متجاوز از دو سال باشد مگر در مواقع فوق العاده بحکم وزارت جنگ ( برای سوار و توپچی ممکن است سه سال باشد ) .

مادهٔ ۱۸- افراد قشونی اعم از حاضر خدمت و مرخص بخانه از مالیات سرانه، از بیگاری و تحمیلات سایرهٔ محلی معافند و عوارض از اسب سواره نظام مطالبه نخواهد شد .

مادهٔ ۱۹- کمیسیون پس از اتمام وظیفهٔ خود کلیه افراد قشونی که جدید آگرفته شده و در مرکز قشون حاضر کرده سان میدهد و اسامی آنها در دفاتر مخصوص ثبت و قید میشود ( موافق مادهٔ ۱ ) و نیز يك نسخه از آن به ارکان حرب از طرف امیر لشکر آن ناحیه فرستاده می شود .

مادهٔ ۲۰- مدت خدمت سربازی ( مادامیکه بطور بنبیچه سرباز گرفته میشود ) از اول دخول بخدمت برای هر فردی دوازده سال خواهد بود .

تبصره - مقصود از دوازده سال دورهٔ خدمت، آن است که افرادی که مثلاً سه سال در قشون خدمت مینمایند پس از آنکه مرخص

شدند تا نه سال دیگر جزوقشون ذخیره محسوب ولدی الاقتضاء احضار خواهند شد. پس از طی دوره دوازده سال از خدمت معاف میگردند.

ماده ۲۱- خانواری ۱ همه ساله از طرف وزارت مالیه جمع خواهد شد و با اطلاع امیر لشکر و حواله مالیه نظام به افراد حاضره مطابق معمول محل پرداخت خواهد شد و در دفتر مخصوص ثبت میشود و گیرنده حواله بایستی ته چک را مهر و امضاء نماید و ته چک در اداره مالیه نظام خواهد ماند و نسخه ای از آن بار کانهرب قشون ارسال میگردد. چون خانواری استمراری سرباز بنیچه به موجب حکم دولت باید از طرف وزارت مالیه اخذ و جمع آوری شود، لذا هیچ فردی از افراد قشونی شخصاً حق گرفتن خانواری استمراری را از مالک یارعمیت نخواهند داشت.

ماده ۲۲- قبوض و نوشتجاتی که از بابت استرضائی و پادارانه ۱ و کمک خرج یا بهر اسمی که از طرف مالکین و یارعیای کلیه محلها در مواقع احضار سرباز به افرادی که بخدمت رفته اند داده شود و در دست آنها است صاحب منصبان مستقیم آنان باید صورتی از قبوض مربوطه برداشته و به ارکانهرب لشکر مربوطه بفرستند و کتابچه هائی در شعبه سربازگیری مربوطه باز و کلیه آن قبوض و نوشتجات با ذکر اسم دائن و مدیون و اسم قراء و بلوک به طور وضوح ثبت بشرد و مطابق آن بدهندگان قبوض اخطار شود که وجه سندی را که داده اند بهر طریق که ممکن باشد تا یکماه بعد مستقیماً به نظامیان برسانند و هر گاه در رسانیدن وجوه مسامحه و تعلل نمایند با اطلاع و دستور العمل شعبه سربازگیری مربوط به محل رفته جمع آوری نموده و با استحضار ارکانهرب لشکر مربوطه، با افراد برسانند و چنانچه مودیان وجوه فوق را

۱- خانواری، پول و جنسی بوده است که بطور مساوی از اهالی دهی که سرباز بنیچه از آن ده بخدمت میرفت جمع آوری و به خانواده سرباز داده میشود.

۲- پادارانه عبارت بوده است از ماهانه ای که چون کسی نامش در سیاهه بنیچه نوشته میشد و بجای خود کس دیگری را به سربازی میفرستاد به او و خانواده او میداد.



قبلاً بخود افراد، کالا و بنضاً پرداخته باشند باید صورت و جوه پرداختی را با توضیح اسم و رسم و تاریخ به ارکان حرب لشکر مربوطه اطلاع داده و در کتابچه فوق‌الذکر شعبه سربازگیری قید و ذکر گردد.

ماده ۲۳- وزیر جنگ مأمور اجرای این قانون است. مواد قانون فوق بموقع اجراء میرسد.

پس از صدور اجراء این قانون اختلافاتی در میان مالک و زارع و مأمورین سربازگیری و قسمت‌های نظامی پیش آمد که وزارت جنگ ناچار شد مقررات دیگری را به شرح زیر وضع و برای اجراء ابلاغ کند.

و نظر به اختلافات زیادی که راجع به استخدام افراد داوطلب بنبیجه لشکرها پیش آمده است بشرح زیر مقرر میگردد:

۱- هیچ قسمتی حق دخالت در امور بنبیجه قسمت دیگری ندارد و افراد بنبیجه را نبایستی بعنوان داوطلب استخدام نمایند.

۲- هیچک از قسمتها حق ندارند فراری قسمت دیگری را در دست داشته باشند می‌توانند در موقع لزوم پس از ارائه اخراج نامه رسمی خود در قسمت دیگر استخدام شوند.

قسمت خود استخدام نمایند. فقط داوطلبانی که اخراج نامه رسمی

۳- هر قسمتی که بخواهد افراد جدیدی را استخدام نماید باید بدو آ ورقه هویت اشخاص را رؤیت نموده و ضمناً التزام محکمی به ضمانت ضامن معروف و معتبری گرفته شود که در صورتیکه کشف شود فراری و یا جزو قسمت دیگری بوده است مجازات و سپس تحت الحفظ به قسمت مربوطه اعزام گردد.

در موقع احضار سرباز، قبوض و اسنادی که از بابت وجه استرضائی و پادارانه و کمک خرج از طرف سربازبده به سرباز داده میشود باید با استحضار کمیسیون و مأمورین سربازگیری در محل قبض و اقباض بشود و مأمورین مکلفند حاشیه قبوض مزبور را تصدیق بکنند و صورت جامع آنرا به ارکان حرب لشکر مربوط بدهند و بموجب مواد نظامنامه سربازگیری مأمورین فوق‌الذکر به هیچوجه حق دخل و تصرفی در زیادی و کمی و کم و کیفیت و جوه فوق در میان سربازبده و سرباز نخواهند داشت و فقط بسته به رضایت طرفین است.

با این احوال، چون مسأله تأمین نیازمندی نفری و سربازگیری در ارتش نوین هیبایستی متناسب با وضع متمدنی و طرحهای عالییه ارتش می‌بود،

بزودی در طرح سرباز گیری تغییر داده شد - باین معنی که در سال ۱۳۰۴ خورشیدی اساس مقررات سرباز گیری بر اصل وقاعدۀ سرشماری تمام کشور گذاشته شد و بدین منظور دو قانون یکی در مورد «احصائیه و سجل احوال» (برای تعیین نفوس و جمعیت حقیقی کشور) و دیگری در خصوص «خدمت اجباری» وضع و در شانزدهم خرداد ۱۳۰۴ بتصویب مجلس شورای ملی رسید<sup>۶۱</sup> و نام «شعبه سرباز گیری» نیز که بر حسب قانون ۲۶ سرطان ۱۳۰۱ تشکیل شده بود به «ادارۀ نظام اجباری» و کمی بعد هم به «ادارۀ نظام وظیفه» تبدیل یافت<sup>۶۲</sup>.

اجرای این طرح و قانون، اگر چه در آغاز با مخالفت بسیاری از اشخاص که قانون موجود با مصالح آنها مغایرت داشت مواجه شد و ناراحتی هائی بوجود آورد ولی سرانجام بر کرسی قبول نشست<sup>۶۳</sup>.

بموجب قانون سال ۱۳۰۴ خدمت سربازی برای کلیه اتباع ذکور دولت ایران اعم از سکنه شهرها و قصبات و قراء و ایلات و متوقفین در خارج از ایران از اول سن بیست و یک سالگی، اجباری شد (مادۀ ۱) و این ماده پرارزشترین و مهمترین ماده قانون مزبور بود، زیرا قانون بنیچه سرباز گیری که تا این زمان اجرا میشد، شامل حال قسمتی از اهالی کشور نمی گردید و بموجب آن طبقۀ اعیان و اشراف، شهر نشینان و برخی از ولایات مانند کاشان و ورشت و کیلان که منسوجات کشور را تهیه می کردند از خدمت سربازی معاف بودند<sup>۶۴</sup>. بعلاوه مالکان بزرگ و مقتدر و همچنین بسیاری از ایلات و عشایر هم سرباز نمیدادند چنانکه ستوان پیشون<sup>۶۵</sup> فرانسوی که از سال ۱۲۵۵ قمری چندی جزو هیأت نظامی فرانسه در ارتش ایران خدمت می کرده است، می نویسد:

قبایلی که در مرزها هستند و هر لحظه میتوانند به کشور همجوار مهاجرت و

۶۱- همان کتاب ص ۱۵۴ تا ص ۱۶۶

۶۲- همان کتاب ص ۱۲۲

۶۳- همان کتاب و همان صفحه

۶۴- امیر کیلان شاه: یکصد و پنجاه سال سلطنت در ایران ص ۳۳

۶۵- J. Pichon

کوچ نمایند سرباز نمیدهند و تعداد سربازی هم که هر قبیله میدهد بستگی بقدرت خان و رئیس آن قبیله دارد<sup>۶۶</sup>. بنابراین با قانون سال ۱۳۰۴ نقص و عیب بزرگی که قانون بنیچه داشت یعنی استثنائی که بی سبب، در خدمت سربازی برای پاره‌یی از طبقات و اهالی و برخی از شهرها قائل شده بودند از میان میرفت.

مدت خدمت سربازی بنا بر قانون جدید جمعا ۲۵-سال و شامل سه دوره بود<sup>۶۷</sup>:

۱- دوره خدمت نظامی بمدت شش سال (دو سال اول تحت السلاح و چهار سال بعد احتیاطی).

۲- دوره ذخیره بمدت ۱۳ سال (شش سال اول ذخیره مقدم و هفت سال بعد ذخیره تالی).

۳- دوره پاسبانی<sup>۶۸</sup>. بمدت شش سال.

وباین ترتیب هر سرباز پس از دو سال خدمت تحت السلاح، وارد مرحله احتیاط میشد که مدت آن چهار سال بود و سپس دارد مرحله ذخیره بمدت ۱۳ سال می‌گردید. در مرحله اول این دوره (ذخیره مقدم) که شش سال بود سربازان هر دو سال یکمرتبه و در مدت ذخیره تالی (هفت سال دوم) هر سه سال یکمرتبه بمدت یکماه بایستی در حوزة خود برای تمرین تعلیمات و آموزش نظامی حاضر میشدند (ماده دهم).

بر اساس قانون مزبور، سازمانی برای سرباز گیری بنام «دایرة سرباز گیری و نظام اجباری» در نظر گرفته شد و اما چون اجرای سرباز گیری بروش مذکور مستلزم در دست بودن آمار جوانان و متولدین کشور می‌بود و چنین آماری

۶۶- گزارشهای پیشون قطعه ۴۴ در مجموعه ۱۶۷۳ بایگانی تاریخی ارتش فرانسه- حاجبی بهمین علل و برخی دلائل دیگر نظام بنیچه را در مقاله خود «نظام مقتضیات» نامیده است (مجله قشون شماره ۴ سال ۴ تیرماه ۱۳۰۴)

۶۷- مواد ۱ و ۱۰

۶۸- این اصطلاح با عنوان پاسبان که از اصطلاحات و مراتب خدمتی اداره شهر بانیت و بعدها وضع شده نباید اشتباه شود.

در سال ۱۳۰۴ هنوز در دست نبود، لامحاله انجام آن موکول به تشکیل «اداره ثبت احوال» می شد که آن نیز بتصویب مجلس شورای ملی رسیده بود. بدین جهت اجرای قانون مذکور تا سال ۱۳۰۵ عقب افتاد.

در سال ۱۳۰۵ نام دائرة نظام اجباری هم به «اداره نظام وظیفه» تغییر یافت<sup>۶۹</sup> و کشور ایران از لحاظ امور نظام وظیفه به حوزه ها و نواحی تقسیم شد<sup>۷۰</sup> تا فهرستی از موالیدی که برابر مقررات قانون خدمت نظام وظیفه میبایستی بخدمت احضار شوند تهیه گردد و نخستین دوره سربازان وظیفه که براساس این قانون و در سال ۱۳۰۵ خورشیدی بخدمت احضار شدند موالید سال ۱۲۸۵ خورشیدی بودند.

بدین ترتیب، در بدو امر، سازمان کل اداره نظام وظیفه از يك اداره مرکزی در تهران و شش ناحیه در تهران، تبریز، اصفهان، مشهد و رشت تشکیل شد و هر يك از نواحی مزبور نیز دارای چندین حوزه اصلی و فرعی بودند.<sup>۷۱</sup>

در سال ۱۳۰۷ نام اداره مزبور به «اداره نظام وظیفه عمومی» تبدیل گردید<sup>۷۲</sup> و از این پس نیز هر چند زمان در سازمان آن اداره از حیث تعداد نواحی و حوزه های اصلی و فرعی تغییراتی داده شد که شرح مبسوط آنرا در جلد یکم تاریخ ارتش نوین می یابیم<sup>۷۳</sup> و این اداره بهمه جهت تا سال ۱۳۴۴ که ضمیمه وزارت کشور گردید و نام آن نیز به «اداره وظیفه عمومی» تبدیل یافت، همه وقت تابع وزارت جنگ و ارتش شاهنشاهی می بود.

اما قانون سال ۱۳۰۴، چون با شتابزدگی و تعجیل تهیه شده بود خواه ناخواه در عمل بانقائص و معایب و مشکلاتی زو برو شد که ناچار بنزای رفع

۶۹- بخش نخست تاریخ ارتش نوین ص ۱۲۱

۷۰- اجرای این تقسیمات در ماده چهارم قانون نظام اجباری بدین شرح پیش بینی شده بود که: «مملکت ایران مطابق تشکیلات قشونی بنواحی سربازگیری منقسم شده و افراد قشونی در مرکز حوزه های سربازگیری خود گرفته میشوند».

۷۱- تاریخ ارتش نوین ص ۱۲۱

۷۲- همان کتاب ص ۱۲۳

۷۳- همان کتاب و همان صفحه.

آنها در ۲۹ خرداد ۱۳۱۷ خورشیدی قانون دیگری بمنظور اصلاح و تکمیل قانون مزبور تدوین شده در اسفند همان سال بتصویب مجلس شورای ملی رسید. ۷۴

بر اساس این قانون که هنوز بقوت خود باقیست و اکثر مواد آن عیناً همان قانون سال ۱۳۰۴ است، مدت خدمت وظیفه عمومی همان ۲۵ سال ولی شامل چهار دوره تعیین گردید: ۷۵

- ۱- دوره زیر پرچم بمدت دو سال
  - ۲- دوره احتیاط بمدت چهار سال
  - ۳- دوره ذخیره یکم بمدت چهارده سال
  - ۴- دوره ذخیره دوم بمدت پنج سال
- و برای روشن شدن تغییرات این ادوار بطور مثال حالات مراحل متوالی متولدین سال ۱۲۸۵ خورشیدی را یعنی نخستین دوره سر بازانی که بخدمت احضار شده اند، در اینجا ذکر می کنیم:

سال تولد	خدمت زیر پرچم		مرحله احتیاط		مرحله ذخیره یکم		مرحله ذخیره دوم	
	ورود	خروج	ورود	خروج	ورود	خروج	ورود	خروج
۱۲۸۵	۱۳۰۵	۱۳۰۷	۱۳۰۷	۱۳۱۱	۱۳۱۱	۱۳۲۵	۱۳۲۵	۱۳۳۰

و بمنظور آگاهی بیشتر از نحوه احضار افراد احتیاط و ذخیره و موالید مختلف در سالهای بعد بتاریخ ارتش نوین مراجعه شود. ۷۶

۷۴- همان کتاب ص ۱۲۵

۷۵- مواد ۳ و ۴

۷۶- تاریخ ارتش نوین از ص ۱۲۷ تا ص ۱۳۱